

فرهنگ دوستی اسلامی ناظر به روابط اجتماعی - حقوقی دختر و پسر

محمدجواد جاوید*

چکیده: فقه و حقوق اسلامی در روابط دختر و پسر مبتنی بر حوزه‌های محرم و نامحرم است. امروزه در ادبیات دینی، محرمیت یعنی نبود مرزی برای دوستی متعارف و عدم محرمیت یعنی بودن مرزی نسبتاً نامتعارف برای تعامل معمول دو جنس مخالف. از سویی نگاه فرهنگ اسلامی در این خصوص آن است که روابط دختر و پسر نامحرم، حتی در حد متعارف آن نیز به حداقل ممکن و در حد ضرورت منتهی شود، از سوی دیگر تنها فرصت روابط آگاهانه دختر و پسر در اسلام، زمانی است که طرفین برنامه‌ای جدی برای ازدواج در نظر داشته باشند. خارج از کانون خانواده و ازدواج شرعی، عملاً هر گونه تعامل احساسی، صمیمانه یا عاشقانه، مذموم و حرام یا زمینه‌ساز گناه کبیره تلقی می‌شود. با این فرض که در گذشته امکان نوعی جامعه‌پذیری مبتنی بر معیارهای بومی و سنتی وجود داشته که عملاً منجر به ازدواج بهنگام در آغاز سن بلوغ دختر و پسر می‌شده است، سؤال اصلی نوشتار حاضر آنست که در شرایط فعلی با توسعه شبکه‌های ارتباطی، کاهش سن بلوغ و افزایش سن ازدواج، چگونه می‌توان شکاف زمانی موجود بین زمان بلوغ تا زمان ازدواج دختر و پسر معاصر را قانونمند کرد؟ فرضیه کلان نوشتار حاضر، درصد امکان‌سنجی مدیریت قانونمند دوره بلوغ تا زمان ازدواج دائم دختر و پسر براساس نظریه دوستی اسلامی است.

واژه‌های کلیدی: حقوق، دوستی، جوانان، دختر و پسر، جامعه‌پذیری، ازدواج، اسلام.

مقدمه

در روابط اجتماعی در عصر حاضر، نوع تعامل دختر و پسر برای خانواده‌های مسلمان به ویژه خانواده‌های مؤمنی که در پی اجرای نیک احکام اسلام هستند سخت دغدغه‌ساز شده است. برای بسیاری اسلام در دوران معاصر به دلیل ظهور روابط فراگیر رسانه‌ای و اجتماعی کارایی لازم خود را در تنظیم سالم روابط اجتماعی از دست داده است و برای برخی دیگر با نوعی نگاه عموماً تنگ‌نظرانه از دین، اسلام تنها در حد و

وسع یک جامعهٔ عشیره‌ای قدرت اجرای مطلوب احکام خویش را دارد و لذا اکنون در جامعهٔ جهانی، شرایط دهکدهٔ جهانی امروز ساختاری حقوقی به مراتب بزرگ‌تر را می‌طلبد که از منظر اینان از دین نمی‌توان چنین انتظاری داشت. این‌گونه نگاه‌های سلبی به قدرت و قوت مستمر احکام اسلامی به تدریج باعث گردیده تا حقوق‌دانان جامعهٔ اسلامی نیز از تلاش برای تنظیم روابط سالم، قانونمند و در عین حال شاخص و الگو برای جوانان جامعهٔ معاصر طفره روند. طفره رفتن بیشتر از آن روی است که هر محقق اسلامی که معتقد به منابع حقوق اسلام باشد به خوبی به این درک رسیده است که در حقوق اسلامی حداقل در حوزهٔ تنظیم روابط اجتماعی بن‌بستی وجود ندارد. چرا که احکام اسلامی بر دو پایهٔ ثوابت و متغیرات بنا شده است که تصلب آن تنها در حوزهٔ اموری است که بی‌تردید در هر جامعه‌ای ثابت هستند و متغیرات آن مبتنی بر تحولاتی است که در گذر زمان و مکان در هر جامعه‌ای قابل تغییر است، به دیگر سخن پیام احکام شرعی و در نتیجه حقوق اسلامی در هر دوره‌ای مبتنی بر اصول ثابت انسانی است. اما طبیعتاً با توجه به تفاوت و تغییر فرهنگ‌ها، شرایط محیطی در شیوهٔ اجرا یا شکل اجرای احکام شریعت تأثیرگذار خواهد بود و این تفاوت شیوه و شکل نیز در درون دین پیش‌بینی شده است. به این اعتبار ما در احکام دینی باید از دو عنصر رایج در مطالعات اجتماعی سخن بگوییم که یکی طبیعت است و دیگری فرهنگ. این دو از منظر اسلامی مکمل هم هستند و هر یک در درون خویش دارای جریان ثابت و متغیر می‌باشد. در احکام اجتماعی اسلام هر دو بعد مذکور تحت عنوان زیربنا و روبنای حقوق اسلامی به نیکی قابل رصد است. بنابراین نگاه ایجابی به قدرت و قوت مستمر احکام اسلامی معتقد است که معضل اجتماعی معاصر امروز در روابط دختر و پسر مسلمان ناشی از خلأ فکری در خصوص انطباق فروع بر اصول در مبانی نظری اسلام است که متأسفانه با رواج عرف‌های اخلاقی و اجتماعی جایگزین، منجر به نوعی تبلی فکری در بین برخی از متفکران مسلمان معاصر گشته است که یا جرأت بیان حقایق و گوهرهای مستتر در این دین را از دست داده‌اند و یا ناخواسته گرفتار نوعی روزمرگی در دامن نظریه‌های رایج غیردینی شده‌اند و یا با بهت‌زدگی در عظمت آسیب‌های اجتماعی خیره مانده‌اند. آسیب اول چنین فترت نظری، در درجهٔ نخست متوجه جوانان جوامع اسلامی است و سپس سایر افراد جامعه را هدف قرار می‌دهد. بنابراین جامعهٔ هدف در این نوشتار ابتدا، جوانان مسلمان هستند که فارغ از مکان و زمان اقامت خود، توان بهره‌مندی از روابط سالم اجتماعی در سایه شریعت اسلامی را خواهند داشت؛ در مرحله دوم این نظریه به تحدی با متفکران و روشنفکرانی از جامعه مسلمانان می‌پردازد که عامدانه با محجور قلمداد کردن برخی احکام اجتماعی اسلام با نوعی اجتهاد به روز زمینهٔ خروج

فرهنگ دوستی اسلامی ناظر به روابط اجتماعی - حقوقی دختر و پسر ۱۲۳

جوانان را از دین فراهم می‌کنند. این دسته از مخاطبان نوشتار حاضر، به دو دسته عالمان مذهبی و روشنفکران دینی قابل تقسیم هستند که هر دو دسته در عدم امکان اجرای برخی احکام اجتماعی اسلام از جمله بیشتر احکام ناظر به زنان و ازدواج در دوران معاصر متفق‌القول هستند. اما یکی با اعتقاد به قطعیت احکام اسلامی، بر پایه استدلالات فرهنگی اجرای آن‌ها را در شرایط کنونی مناسب و متناسب فرهنگ‌های موجود نمی‌بیند و دیگری به دلیل اعتقاد به تصلب و تجر احکام اسلامی و تعلق حقوق اسلامی به زمان قدیم، اجرای برخی احکام اسلامی ناظر به روابط اجتماعی دختر و پسر را در دوران مدرن، عملاً ناکارآمد و ناکافی می‌داند. در گروه نخست طیف وسیعی از علمای دین قرار دارند که با سکوت و تأنی و بعضاً نگرانی و دلسوزی به نظاره تحولات اجتماعی نشسته‌اند و در رده دوم، بسیاری از روشنفکران مسلمان هستند که تماماً برای نشان دادن قوام مدل غربی به مثابه الگوی برتر، راست قامت ایستاده‌اند. در نتیجه نظریه حاضر ضمن احترام به روش و نگرش این متفکران دغدغه‌دار، تماماً برخلاف منش آنان با نقد دیدگاه‌های موجود و منفعلانه انگاشتن آنان، مجدانه به ارائه مدل جایگزین اسلامی می‌پردازد که ضمن ابتدای تام بر احکام اسلامی، به مثابه شاه‌کلیدی برای روابط اجتماعی - حقوقی دختر و پسر مسلمان در جوامع معاصر تلقی می‌گردد.

فصل اول: حق همسری و روابط دختر و پسر در شریعت اسلامی

ازدواج تنها مکانیسم مقبول جوامع قدیم و جدید در تدبیر روابط دختر و پسر بوده است. اما شاید برای گذشتگان از اسلاف بشر معاصر به میزانی که امروز مسئله کنترل روابط دو جنس مخالف اهمیت دارد، این رابطه مسئله‌ساز یا بحران‌ساز نبوده است. بررسی تاریخ تمدن بشری هرچند نشان از نزاع‌های بزرگ برای عشق یا خیانت در عشق دارد اما کمتر سندی می‌توان یافت که در آن بر شکل روابط دختر و پسر تصریح شده باشد. دلیل آن را می‌توان فرضیه‌ای دانست که براساس آن ادیان نقش محوری در تکامل و سامان‌دهی به مناسبات اجتماعی انسان‌های قدیم داشته‌اند. یا به دیگر سخن هر یک از اقوام شکلی مشروع از نکاح یا روابط مشروع را داشته‌اند چرا که «برای هر قومی نکاحی است.» قابل ذکر است که در ادیان قدیم همچون یهودیت و نصرانیت هم هیچگاه مسئله رابطه دختر و پسر ممنوع نشده است، تنها قانون حاکم رعایت اصل محرمیت در آن‌ها بوده است که در قالب ازدواج مشروعیت می‌یابد. لذا جدای از بحث فلسفی، در دو دین یهودی و مسیحی تنها یک راه حل مشروع برای روابط مشروع دختر و پسر وجود دارد و آن ازدواج است (توماس، ۱۳۷۷). اما طبیعی است که این مجوز تنها شامل دختران و پسران مؤمن مسیحی و یهودی می‌گردد و

لذا این جواز در برگیرنده دو اعتقاد متفاوت از ادیان دیگر نمی‌شود [۱]. همچنین اغلب از دید ادیان ازدواج‌های مدنی موجود بدون مجوز عقد کلیسا یا کنیسه نیز فاقد اعتبار شرعی است. در این خصوص هم شباهت‌هایی با دین اسلام وجود دارد (مک‌الوین، ۱۹۸۸).

اما شاید بتوان گفت اسلام تنها دینی است که مدعی است هیچ بخشی از نیازهای طبیعی انسانی را نادیده نگرفته و همواره دنیا و آخرت، روح و جسم، معنا و ماده، عقل و دل، معاش و معاد، فرد و جمع و شرایط ناظر به آن‌ها را در کنار هم دیده است، همه امور نیز پایه و حیانی دارد (الأنعام: ۵۹). در این میان بهره‌گیری معقول و معروف از نعمات دنیا را حق بنی‌آدم دانسته و اساساً یکی از فلسفه‌های خلقت را تمهید شرایط برای کمال انسانی در این جهان می‌داند. از اینرو همیشه به نیازهای و قوانین طبیعی و در نتیجه حقوق طبیعی انسان عنایت تام داشته و با سرکوب نیازهای و غرایز طبیعی به شدت مخالف است. بر این اساس می‌توان گفت شاید هیچ دین، مرام و مکتبی به میزان اسلام به امر روابط دختر و پسر اهتمام نورزیده است. اسلام با رویکردی فعالانه به ترسیم حدود و ثغور روابط مشروع زن و مرد پرداخته است. در اسلام توجه به جنس مخالف با هدف ازدواج و نیز تکمیل ایمان جزء سنت نبوی قلمداد شده و گریزندگان از آن در قالب رفتارهای راهبانه به شدت مذمت شده‌اند. از سوی دیگر در افتادن در دامن هوسرانی جنسی و ارضای بی‌قید و بند شهوات نیز از اشد گناهانی قلمداد شده که انسان را از مقام انسانیت به ورطه حیوانی تنزل می‌دهد. (الفرقان: ۴۴). از این منظر می‌توان گفت به همان میزان که اسلام با جماعت بودن، ارتباط سالم، سودمند و هدفمند با هموعان و شهروندان اعم از زن و مرد، دختر و پسر، شهری و روستایی را مورد تأیید و تأکید قرار داده، اختلاط و ارتباط ناسالم و آسیب‌زا و شکسته شدن حریم محرم و نامحرم و کشانیدن تمتعات و التذاذهای بصری، جنسی، عاطفی و هیجانی داخل خانواده را به بیرون از آن مورد نهی و نکوهش قرار داده است. اسلام در این خصوص حتی در مقام قانونگذاری هم خستی نداشته و با گشاده‌دستی و با استناد به وحی عملاً شیوه‌های تعامل مثبت و مشروع دختر و پسر را مقدس جلوه داده و پیام داده تا هر جوان و پیری از دختر و پسر با رعایت تقوا و بدون نگرانی از رزق الهی به سوی پیوند زوجیت قدم گمارد (بقره-۲۳۵) و تردید و ترک کینه‌توزانه آن‌را، همدریف شک و شرک به خدای تعالی دانسته است (النور: ۳۳). در مباحث آتی ضمن توصیف نگاه اسلامی، به تحلیل بحران حادث در وضع روابط مشروع و نیز شیوه برون رفت از آن، در قالب طرح جایگزین صحبت خواهیم کرد.

گفتار اول: حق دائم بر ازدواج دائم در اسلام

اسلام تنها دینی است که ازدواج را به شدت تمجید نموده و روی گردانی از آن را خارج از سنت مسلمانی می‌داند. قرآن کریم همواره در خلقت بر زوجیت به مثابه بنیان تداوم امر طبیعت و آفرینش تأکید و تمعد دارد و انسان‌ها را مخلوق از مذکر و مؤنث می‌داند (النجم: ۴۵؛ القیامة: ۳۹) این نهاد به قدری مهم است که پروردگار متعال بر اساس آن قسم یاد کرده است (اللیل: ۳). پیامبر اکرم (ص) هم فرموده‌اند: «در منظر خدای متعال، هیچ نهادی در اسلام محبوب‌تر و عزیزتر از تشکیل خانواده برپا نشده است.» (مجلسی، ۱۲۲) [۲] از منظر حقوق طبیعی و عقلانی نیز افزون بر آن همه تأکیدات دینی و ارزش‌هایی که برای آن وارد شده و افزون بر آن همه دستورالعمل‌هایی که در جهت شکل‌گیری صحیح، تعیین مسئولیت‌ها، راه‌حل مشکلات و تحکیم روابط خانوادگی، صادر شده است، منافع و ارزش‌های گسترده‌ای دارد و به عنوان واقعیاتی ملموس، برای همگان روشن است. در سخنی از امام رضا(ع) می‌خوانیم که حتی اگر درباره ازدواج آیه‌ای هم نازل نشده بود و سنت و روایتی نیز وجود نداشت، همان نیکی به خویشان و انس و الفتی که با دیگران در آن وجود دارد به اندازه‌ای هست که انسان عاقل و خردمند رغبت به آن کند و انسان موفق و کاردان به آن شتاب کند» (مجلسی، ۱۲۲) [۳] از این منظر تجرد و تنهایی نه طبیعی و عقلانی و نه شرعی و توصیه دین است [۴]. ابن‌سینا خانواده را از افاضل ارکان مدینه می‌شمارد و در رساله السیاسة که منسوب به اوست می‌نویسد: «نخستین موضوعی که شارع و قانونگذار باید در مورد آن قانونگذاری کند، مسئله ازدواج است که منجر به حفظ نسل می‌شود. شارع باید مردم را به ازدواج تشویق کند زیرا بقای نوع بشر وابسته به ازدواج است ... باید وقوع ازدواج عیان باشد تا نسب و قرابت دچار شبهه نگردد و مسئله ارث که بنیان اموال شهر است دچار تباهی نگردد» (ابن‌سینا، ۱۹۵۶، ۴۴۸) [۵]. بنابراین می‌توان به آشکارا معترف بود که شاید هیچ مکتب و مرامی به اندازه اسلام توجه لازم به وضع طبیعی و قوانین طبیعی انسان‌ها نداشته و نتوانسته است در این راستا نظامی حقوقی با حدودی مشخص ارائه دهد. در قوانین اسلامی به ویژه در ارتباط با زن و مرد و روابط حقوقی آن دو به صراحت، قوانین گفته شده و از حاکم می‌خواهد تا به اجرای آن‌ها بپردازد هر چند این امور در دوره‌ای از سوی مردم قانون خوبی تلقی شده و در دوره‌ای دیگر نامطلوب جلوه نماید. اسلام بر خلاف سایر ادیان برای تمام زنان و مردان حتی مردان و زنان مطلقه (البقرة: ۲۳۵) یا بیوه (بقره: ۲۳۴) حق ازدواج مجدد قائل شده است. اما آنچه در خصوص این افراد همواره مد نظر اسلام است پرهیز از قرارهای پنهانی و خلاف شرع است مگر آنکه انگیزه ازدواج صریحاً در آن ملحوظ و قواعد محرمیت در نظر باشد: «و گناهی بر

شما نیست که به طور کنایه، (از زنانی که همسرانشان مرده‌اند) خواستگاری کنید و یا در دل تصمیم بر این کار بگیرید (بدون اینکه آن را اظهار کنید). خداوند می‌داند شما به یاد آن‌ها خواهید افتاد؛ (و با خواسته طبیعی شما به شکل معقول، مخالف نیست) ولی پنهانی با آن‌ها قرار زناشویی نگذارید، مگر اینکه به طرز پسندیده‌ای (به طور کنایه) اظهار کنید! (ولی در هر حال) اقدام به ازدواج ننمایید، تا عده آن‌ها سرآید! و بدانید خداوند آنچه را در دل دارید، می‌داند! از مخالفت او بپرهیزید! و بدانید خداوند، آمرزنده و بردبار است! (بقره: ۲۳۵)»

از این منظر حق بر ازدواج و همسری حقی بنیادین برای بشر تلقی می‌گردد که اسلام آن را با تعیین حدودی تأیید کرده، برای انجام آن تشویق کرده و بر سرپا زندگان از آن هشدار داده است. در اسلام نکاح امر مقدس، ممدوح و جزء سنت نبوی (ص) تلقی می‌گردد [۶]. لذا تضمین آتیه آن نیز مبتنی بر نوعی وعده الهی تلقی می‌گردد: «مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را؛ اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد؛ خداوند گشایش‌دهنده و آگاه است!» (النور: ۳۲). از سوی دیگر طلاق نیز مجازی مبعوض است و لذا گفته شده است مبعوض‌ترین حلال است. با این حال طلاق ممنوع نیست و زوجین می‌توانند در صورت عدم امکان تداوم زندگی مشترک با نیکی و نه جدال، دعوا و نامهربانی، از هم جدا شوند (البقره: ۲۳۱) که البته رعایت شروطی در آن واجب است (جوادی‌آملی، ۱۳۷۸: ۳۶۲) [۷]. بنابراین آنچه در اسلام سخت نهی شده - هرچند ممنوع نیست - تجرد و تنهایی زیستن است. برای این منظور در اسلام همواره دو شیوه ازدواج دائم و موقت وجود داشته است. این دو سبک بسته به مقتضیات زمان و مکان دچار تحدید و تعطیلاتی شده است اما همواره بر این مسئله اتفاق وجود داشته است که در اسلام الگوهای فوق‌الذکر در قرآن بوده و جزء سنت و سیره نبوی محسوب می‌گردد. به‌علاوه در اسلام سبک‌های رایج دیگر ادیان و مکاتب قدیم در قالب ازدواج و همسری با کنیزان هم معمول بوده است که به مرور زمان به دلیل سیاست‌های فرهنگی اسلام و رویکرد کلان دین در خصوص حذف بردگی، عملاً روش اخیر منسوخ شده است. اما دو مدل اولیه در قالب ازدواج دائم و موقت تا به امروز بافت و خیزهایی در جوامع اسلامی معمول و مرسوم بوده است.

گفتار دوم: حق موقت بر ازدواج موقت در اسلام معاصر

ازدواج موقت از جمله نهادهای حقوقی مرسوم در عهد نبی مکرم اسلام (ص) و معصومین (ع) بوده است که متأسفانه برخلاف سیره نبوی با حکم خلیفه دوم عمر بن خطاب از آن نهی شد. پیرو این جعل حقوقی،

جمع کثیری از علمای مسلمان معروف به اهل سنت حکم به حرمت آن دادند، اما در عصر حاضر بنا به دلایل پیشین بحران خانواده در میان مسلمانان به اوج خود رسیده است. در خاورمیانه به دلیل ساختار سنتی و مذهبی آن مسائل زنان و خانواده از حساسیت بالایی برخوردار است. لذا در میان کشورهای مسلمان شاید توجه به وضع خانواده و زنان به مراتب ضروری‌تر از ایران باشد. در بین اهل سنت به دلیل حرمت صیغه یا نکاح منقطع، دولت‌های معاصر به بحرانی عظیم برخوردده‌اند. تئوری‌های علمای اهل سنت و به ویژه راه حل‌های مفتی الازهر طی سال‌های اخیر به فکاهی‌های جالبی در برخی مجلات حقوقی و اجتماعی تبدیل شده بود [۸] تا این‌که در دهه اخیر به ویژه از سال ۱۳۸۲ به بعد، طی کنفرانس‌های متعدد، بالاخره علمای اهل سنت با قرائتی متفاوت تحت عنوان ازدواج به شرط طلاق و ازدواج مسیار عملاً به مستند قرآنی (النساء: ۲۴) و سنت رایج در عصر نبوی و استدلالات جواز آن در عصر حاضر بازگشتند [۹]. از این منظر شیعیان ازدواج و همسرگزینی را لزوماً مبتنی بر عقد دائم ندانسته و اجرای آن از طریق عقد موقت را نیز مجاز می‌شمارند (ازدواج متعه) [۱۰] که البته همچنانکه گفته شد، معیار در بین اهل سنت نیز با در نظر گرفتن برخی تفاوت‌های جزئی تحت عناوین النکاح بشرط الطلاق [۱۱] و ازدواج مسیار [۱۲] مجاز شمرده شده تا از فحشا و منکر جلوگیری شود [۱۳]. دلیل بازگشت علمای اهل سنت به نهاد ازدواج موقت به‌رغم احتیاط‌هایی که در عدم استعمال این واژه دارند بسیار ساده است [۱۴]. در نتیجه توسعه جامعه شهری، افزایش متوسط سن ازدواج جوانان، فاصله شگرف سن بلوغ و سن اجتماعی آنان، بالا رفتن هزینه‌های ازدواج، الزامات تحصیلی برای تحصیل شغل مطلوب، مذموم و محدود شدن تعدد زوجات دائم ... در جوامع عربی غیر شیعی عملاً منجر به تأسیس نهادی شد که برای این دسته از شهروندان که عموماً از جوانان بودند امکان داشتن روابط سالم و مشروع در چارچوب قوانین اسلام را مهیا نمود. مطالعات میدانی کشورهای عربی خاورمیانه و شمال آفریقا نشان از افزایش فوق‌العاده طرفداران این جواز است [۱۵]. یکی از دلایل استقبال از این راه حل بحران کلانی است مشهور به العنوسه (پیردختری) که در حقیقت ناظر به دخترانی است که با گذر از سن متعارف ازدواج (اغلب ۳۰ سالگی در شهر و ۲۰ سالگی در روستا و قبیله) [۱۶] همچنان مجرد زندگی می‌کنند (ماجده، ۲۰۰۸) [۱۷]. در آمار یکی از مؤسسات جمعیت‌شناسی مصر به نقل از الاهرام [۱۸] در سال ۲۰۰۴، تعداد این افراد در مصر بیش از ۹ میلیون بود که ۱۷ درصد آن دختران آماده ازدواج بودند، در عربستان از میان این جمعیت شانزده میلیونی بومی، در حدود یک و نیم میلیون نفر یا به عبارتی یک میلیون و هفتصد هزار نفر از دختران بالای سی سال بودند، در تونس یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر از مجموع ۴ میلیون و

۹۰۰ هزار نفر زن و در اردن ۳۸ درصد دختران و زنان مذکور مجرد مانده‌اند. در الجزایر ۱۱ میلیون مجرد وجود دارد که پنج میلیون از آن‌ها طبق مرکز ملی آمار الجزایر بالای سی و پنج سال سن دارند. به این دلیل الجزایر کشور بیوگان «بلد العوانس» نام گرفته است. در این خصوص مؤسسات خیریه‌ای برای همسریابی تلاش می‌کنند [۱۹]. در سوریه طبق مرکز آمار این کشور بیش از نیمی از زنان همواره مجردند و طبق آمار سال ۱۹۹۵ حدود ۶۰ درصد دخترانی که سنشان از ۲۹ گذشته است هیچگاه ازدواج نکرده‌اند (ینابر، ۲۰۱۱، batraonline.com) [۲۰] و بیش از ۵۰ درصد پسران به دلیل مشکلات اقتصادی و مالی همواره مجرد می‌مانند. در نتیجه بسیاری کشورها از جمله کشورهای حاشیه خلیج فارس چون امارات متحده، به تشکیل مؤسسات همسریابی روی آورده‌اند و بیشتر زنان مشتاقان این مجموعه‌ها هستند (الغامدی، ۲۰۰۷) [۲۱]. حال از بین راه‌حل‌های موجود برای افراد عزب (پسر مجرد) و عانس (دختر مجرد) جز توصیه به صبر و تساهل در ازدواج مطلوب، آیا راه عملی و واقع‌بینانه دیگری غیر از ازدواج موقت یافت نمی‌شود؟

گفتار سوم: سبک زندگی اسلامی؛ مدل معمول و معقول جهانی

وجه مشترک همه مذاهب و مکاتب اسلامی در خصوص سیاست‌های فرهنگی برای جوانان آن است که نکاح منقطع، خواسته یا ناخواسته در برهه کنونی عملاً تنها عنصر جدایی‌ناپذیر از قانونگذاری در حوزه سلامت خانواده مسلمان تلقی می‌شود و دلیل جواز آن را جدا از مسائل روحی و روان‌شناختی، طبیعی و فطری، دینی و شرعی، به تنهایی آمار جمعیتی فوق‌الذکر و نوسان اخلاقی رایج بین پسر و دختر در جهان اسلام توجیه می‌کند. چراکه ازدواج دائم مسئولیت و تکلیف بیشتری برای زوجین تولید می‌کند به همین دلیل پسر یا دختری را نمی‌توان یافت که از اول بلوغ طبیعی که تحت فشار گزینه قرار می‌گیرد، آماده ازدواج دائم باشد. به تعبیر استاد مطهری خاصیت عصر جدید این است که فاصله بلوغ طبیعی تا بلوغ اجتماعی و قدرت تشکیل عائله را بیشتر کرده است: «اگر در دوران ساده قدیم یک پسر بچه در سنین اوایل بلوغ طبیعی از عهده شغلی که تا آخر عمر به عهده او گذاشته می‌شد برمی‌آمد، در دوران جدید ابداً امکان‌پذیر نیست. یک پسر موفق در دوران تحصیل - که دبستان، دبیرستان و دانشگاه را بدون تأخیر و رد شدن در امتحان آخر سال و یا در کنکور دانشگاه گذرانده باشد - در ۲۵ سالگی فارغ‌التحصیل می‌گردد و از این به بعد می‌تواند درآمدی داشته باشد. قطعاً سه تا چهار سال هم طول می‌کشد تا بتواند سر و سامان مختصری برای خود تهیه کند و آماده ازدواج دائم گردد. همچنین است یک دختر موفق که دوران تحصیل را طی می‌کند.» (مطهری،

فرهنگ دوستی اسلامی ناظر به روابط اجتماعی - حقوقی دختر و پسر ۱۲۹

۱۳۷۱، [۲۲] [۲۲] از سوی دیگر ممکن است برخی از افراد دختر یا پسر به بلوغ جنسی رسیده اما لزوماً به بلوغ عقلی نرسیده و نیز رشیده هم نشده باشند تا به درک بنای نهاد خانواده‌ای مستقر و ثابت برسند. به این جهت در قانون اسلام (۱) عاقل بودن، (۲) بالغ بودن و (۳) مختار بودن کافی نیست که شخص بتواند درباره ازدواج تصمیم بگیرد و یا در مال و ثروت خود تصرف کند. ازدواج پسر و دختری که می‌خواهند تشکیل خانواده دهند زمانی صحیح است که به رشد عقلانی کافی رسیده باشند، یعنی مفهوم ازدواج، چپستی آن، مسئولیت‌ها و تأثیرش را در سرنوشت درک کنند تا کورکورانه در موضوعی به این مهمی وارد نشوند (مطهری، ۱۳۷۳، ۲۲۹) بنابراین دختر یا پسری که می‌خواهد ازدواج کند لازم است علاوه بر سایر شرایط عمومی یعنی بلوغ، عقل، قدرت و اختیار، «رشد» هم داشته باشد. جالب آنست که این سنت سابقاً در عقدنامه‌ها همواره رعایت می‌شده است و عاقدان بر عاقل، بالغ، رشیده، آزاد و با اراده بودن دختر و پسر در ضمن عقد تصریح می‌کردند [۲۳]. مروری بر قباله‌های ازدواج در ایران معاصر می‌تواند گواهی بر این مسئله باشد (طیباتی، ۱۳۸۵: ۱۴۰ ش) [۲۴]. در اینجا طبعاً ازدواج موقت راه حلی میانه و مشروع است. در هر صورت به‌رغم تبلیغات سوء دشمنان نامعقول اسلام [۲۵]، ازدواج موقت تمامی مزایای سبک‌های دوستی و همسری جوانان در جوامع غیراسلامی و به ویژه غربی (دووی نیود، ۱۹۹۰) را دارد و شاید به جرأت بتوان گفت که در عین حال هیچ‌یک از آفت‌های آن‌ها را ندارد.

چنانکه بارها توسط حقوقدانان مسلمان هم گفته شده است، اگر طرح ازدواج موقت از غرب رسیده بود یکی از مترقی‌ترین طرح‌ها در میان تجددمآب‌ها تلقی می‌شد. برخی لزوماً نه امکان ازدواج دائم را دارند و نه علاقه‌ای به این سبک ازدواج دارند اما در عین حال نمی‌خواهند گرفتار گناه و عذب بودن شوند [۲۶]، یا به تعبیر برخی حتی نمی‌خواهند دچار «زنانی ذهنی» شوند (عباسی، ۱۳۸۹) [۲۷] نتیجه آنکه دو راه بیشتر باقی نمی‌ماند: ۱- جوانان جامعه خود را چون مدل اقتصاد آزاد آدم اسمیت به دست نامرئی شیطان بسپاریم و آن‌ها را به حال خود رها کنیم و بنا به فرموده استاد مطهری به روی خود هم نیاوریم؛ «به یک پسر اجازه دهیم از صدها دختر کام بگیرد و به یک دختر اجازه دهیم با ده‌ها پسر رابطه نامشروع داشته باشد و چندین بار سقط جنین کند، یعنی عملاً کمونیسم جنسی را بپذیریم؛ و چون به پسر و دختر «متساویاً» اجازه داده‌ایم، روح اعلامیه حقوق بشر را از خود شاد کرده‌ایم، زیرا روح اعلامیه حقوق بشر از نظر بسیاری از کوفه‌فکران این است که زن و مرد اگر بناست سقوط کنند دوش به دوش یکدیگر و بازو به بازوی هم و بالأخره «متساویاً» سقوط کنند.» (مطهری، ۱۳۷۵: ج ۱۹، ۶۴). گذری گذرا به نوشته‌های جوانان در این خصوص میل طبیعی

جوانان را نشان می‌دهد (هری، ۲۰۰۸، ۳۰۴) و اینکه دختران با عفت در سکونت و پسران متهورانه در تب و تاب و بیان آنند [۲۸]؛ ۲- اصول انسانی شریعت اسلامی را که در هر دوره‌ای شگفتی‌های آن بیشتر بر ما نمایان می‌شود به اهتزاز در آوریم و نهادی چون ازدواج موقت را در طرحی کاربردی و متهورانه به‌عنوان دستور تعامل سالم در رفتار اجتماعی دختران و پسران جهان اسلام به مثابه طرح نجات اجتماعی برای وضعیت کنونی ام‌القرای اسلامی هدیه کنیم.

فصل دوم: نظریه جایگزین مبتنی بر شریعت اسلامی

وضعیت روابط سالم جوانان به ویژه تعامل سالم دختر و پسر در جامعه اسلامی ایران از دغدغه‌های مهم معاصر است، به تبع آن مسئله خانواده و ازدواج همواره از موضوعات مهم هر جامعه بوده و به فرموده مقام معظم رهبری، موضوع درجه یک ایران در وضع معاصر تلقی می‌شود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰) [۲۹]. زمینه‌سازی برای رشد اجتماعی جوانان و نوجوانان جامعه اسلامی در راستای تأمین حقوق و انجام وظایف متقابل انسانی و شهروندی‌شان از آمال و آرمان‌های حقوق اسلامی است. بهره‌گیری درست از امکانات در راستای تعالی شخصیت فردی و اجتماعی می‌تواند خود یکی از لوازم سعادت‌مندی جوانان در جامعه تلقی گردد. از اینرو تاختن بی‌محابا به نام ترغیب به تزهد، تهجد، انزوا و عرفان افراطی از یکسو و نیز تشویق به بی‌محابایی و لابلایی‌گری به نام آزادی و تخلیه انرژی جوانی از سوی دیگر، از عوامل سد توسعه عقلی و شعور جمعی جوانان در یک جامعه خواهد بود. آنچه در این میان حیاتی به نظر می‌رسد به رسمیت شناختن وضعیت جوانی با مجموعه‌ای از نیازها و توانایی‌هاست. نیازهایی بالفعل که مبتنی بر توانایی‌هایی بالقوه است که باید در خدمت همدیگر استخدام شوند. یکی از نیازهای اولیه هر جوان میل طبیعی به جنس مخالف در راستای ارضای نیازهای روحی و جسمی خویش است. همین نیاز می‌توان بنیان‌های عشقی اصیل و مقدس را فراهم سازد و یا این‌که برعکس بنیان‌های هر احساس پاکی را یک تنه تخریب کرده امیدهای فرد را به ویرانه‌ای بی‌امید مبدل کند. از این منظر نوعی نظارت بر روابط دختر و پسر به ویژه در آغاز و شکوفایی این نوع نیاز عقلانی به نظر می‌رسد.

هرچند شیوه کنترل و نظارت می‌تواند سبک‌های متفاوتی داشته باشد، اما در شریعت اسلامی الگوی اذن و اجازه پدر یا مشاوره و مشورت با بزرگان به ویژه والدین بسیار سفارش شده است. در جهان امروز نیز هر فرد بالغ و عاقلی برای هر امر خطیری طبیعتاً از این الگوها بهره می‌گیرد به ویژه آن‌که چنین شورهایی

مستقیماً در صلاحیت نزدیکان اعم از خویشان و دوستان هم باشد. بنابراین در این جا باید به مکانیسمی بیاندیشیم که ضمن پاسخگویی به یک نیاز طبیعی به نام میل جنسی، ازدواج و تشکیل خانواده، از آفات سبکسری و فرار از مسئولیت فردی و اجتماعی هم در امان باشد و در عین حال پیگیری آن برای جوانان به منزله تعقیب امر مهممل یا ناممکن جلوه نکند. مهم در این جا آن است که محدودیت‌های غیر شرعی به نام شریعت، دامن دین را نیالاید و متدینان را برگرد افسردگی و گذر از لذت زندگی و عزلت و افسوس نکشاند. پس هدف در نگاه اول استخراج و معرفی یکی از گوهرهای دین مبین اسلام است که از هر نوع اعجازی در علوم طبیعی مقدم‌تر است و بر بنیان طبیعی نوعی مهندسی اجتماعی استوار گردیده است که لامکان و لازمان قدرت تعمیمی و تکثیر دارد: «خوانشی عاطفی از ازدواج موقت».

گفتار چهارم: حق دائم بر ازدواج موقت در اسلام

در اسلام علاوه بر نهاد ازدواج دائم باید از نهاد ازدواج موقت هم نام برد که تحت عناوین مختلف چون صیغه یا متعه هم رایج شده و البته شیوه کاربرد هر یک از این واژه‌ها خود اسباب حب و بغض‌هایی در میان مسلمانان و غیر مسلمانان شده است. در یک استدلال سه مرحله‌ای بر این حق می‌توان گفت خارج از نزاع کلامی، تاریخی، اجتماعی و ادبی، در یک نگاه حقوقی، (۱) هیچکس نمی‌تواند منکر اصلی به نام حق بر ازدواج در اسلام باشد. چراکه این اصل یک اصل پایه مبتنی بر حقوق فطری انسانی است و انکار آن برابر با انکار محکمت از حقوق انسانی است که اساساً با سرشت اسلام سازگاری ندارد؛ (۲) ازدواج در اسلام در دو بخش موقت و دائم به مثابه یک رویه دینی در قرآن کریم، سنت نبوی و نیز سیره ائمه معصومین رایج بوده است و مسلمانان قبل از عقاب، تحذیر و تحریم خلیفه دوم و بعضاً بعد از آن، عموماً بدان آگاه و عامل بوده‌اند [۳۰]؛ اما (۳) آنچه می‌توان محل نزاع باشد تصور حق دائم یا حق موقت بر ازدواج موقت است. بحث مهم آنست که نه نسبت به کل حقوق اسلامی و تاریخ آن بلکه نسبت به هر فرد مسلمان در هر عصری و کشوری، ازدواج موقت به مثابه یک حق باید موقت باشد، نه دائم؟ به دیگر سخن آیا ازدواج موقت همان‌گونه که از نام آن پیداست که موقتی بوده و همیشگی نیست، به همان نسبت حق متعلق بر آن هم برای هر فرد باید موقتی باشد و غیر دائم؟

در این خصوص می‌توان از دو دیدگاه مهم یاد کرد. دیدگاهی که ازدواج موقت و حق بر ازدواج موقت را غیردائم و نسبی می‌داند و تنها در شرایط خاصی به مثابه حق برای فرد ظهور می‌کند. مثلاً زمانی که در سفر

یا در حضر باشد اما دچار مانع، عسر، حرج و امثال آن گردد که به نیکی در مباحث ازدواج موقت ذکر شده است. بر اساس این دیدگاه از ازدواج موقت نمی‌توان چنین تصور کرد که برای همگان و همیشه حقی ذیل عنوان ازدواج موقت وجود دارد. از این منظر تنها افرادی دارای شرایط ازدواج موقت هستند که عموماً زمینه مناسبی برای ازدواج دائم ندارند و یا حتی در یک نگاه حداقلی دچار عسر و حرج شده‌اند. طبیعتاً در این رویکرد نمی‌توان دختران و پسران برخوردار از امکان مالی، عقلی و اجتماعی را بهره‌مند از حق بر ازدواج موقت دانست. عموم معتقدین به ازدواج موقت طرفدار این نگاه هستند و ازدواج موقت را در حقیقت حقی موقت برای افرادی خاص در دوره زمانی و مکانی موقت می‌دانند. در این نسبت ازدواج موقت طبعاً منافع حاکم شرع یا دولت اسلامی هم باید لحاظ شود تا در دوره‌ای به نفع منافع عمومی جامعه اسلامی، حد و حصرهای خاصی بر این نهاد وضع کند. بنابراین در این برداشت از ازدواج موقت مجموعه‌ای از شرایط قابل تعریف زیرمجموعه عسر و حرج می‌تواند مجوز تمسک برخی افراد به ازدواج موقت را فراهم آورد. در این دیدگاه عموماً افراد دارای محظوریت همچون: شیخ و شیخه، معلول و مریض و امثال آن اولویت می‌یابند.

در دیدگاه میانه می‌توان گفت که حق بر ازدواج موقت، یک حق موقت همچون خود ازدواج موقت نیست مگر آنکه شخص با اختیار خود در قالب شرط یا نذری چنین فرضی را برای خود در نظر گرفته باشد. چرا که اصل وجود این نهاد مبتنی بر حقی دائمی و بالقوه برای هر فرد است که البته ممکن است در یک شرایط خاص بالفعل و اجرایی گردد. این حق به عنوان حق بالقوه همواره حقی دائمی تلقی می‌گردد و در شرایط نیاز با مفقود بودن موانع اجتماعی، مالی و وجود مقتضی چون عقل و اراده می‌تواند اعمال گردد. در این نگاه طبعاً هر مسلمانی حق دائم بر ازدواج موقت دارد اما امور منجر به توسل به ازدواج موقت محدود و موقت است و لزوماً همچون خود حق موسع و بی حد و حصر نیست. از اصول مهم انعقاد آن میل بر رفع نیاز جنسی است. از بررسی آراء شهید مطهری آن گونه که پیش‌تر دیدیم این معنا قابل استنباط است. در این نگاه ممکن است حتی ازدواج موقت امری مبتنی بر اضطرار باشد، یعنی لزوماً مبتنی بر اراده یا رشد و تعقل هم نباشد بلکه غریزه جنسی فرد را به تأسیس نهادی موقت برای ارضای سالم میل خویش بکشاند. چون رشد مشروط در ازدواج دائم یعنی لیاقت و شایستگی اداره آن کاری که می‌خواهد به عهده بگیرد و در ازدواج موقت یعنی فهم آثار عملی عمل خویش در جامعه. بنابراین در فقه و سنت اسلامی این مطلب به صراحت در مورد ازدواج آمده است. در فقه اسلامی محرز و مسلم است که برای ازدواج، تنها عقل و بلوغ کافی نیست یعنی یک پسر به صرف آن که عاقل و بالغ است نمی‌تواند با دختری ازدواج کند، همچنان که برای دختر نیز

عادل بودن و رسیدن به سن بلوغ دلیل کافی برای ازدواج نیست؛ علاوه بر بلوغ و عقل، رشد نیز لازم است [۳۱]. عقل هم در این جا غیر از رشد است (مطهری، ج ۳-۱۳۷۳، ۳۱۲). شاید از این منظر و برای احتیاط بیشتر در این خصوص است که دختر باکره در وضعیت معمول و طبیعی باید اذن ولی را برای ازدواج موقت تحصیل کند. بنابراین صرف بلوغ جنسی نمی تواند معیاری برای تشکیل خانواده ثابت و دائم باشد از سوی دیگر هر نوع اضطراری (و نه اکراه) می تواند بنای صحت زوجیت را فراهم آورد. از این رو گفته می شود اگر مرد و یا زنی به هیچ وجه مایل به ازدواج نیست، ولی بیماری ای پیدا می کند که پزشک ازدواج را برایش لازم تشخیص می دهد و او به حکم اضطرار ازدواج می کند، ازدواجش صحیح است (مطهری، ج ۲-۱۳۷۳، ۲۹۹). در این دیدگاه نگاه حداکثری بر حق دائم بودن ازدواج موقت، تنها حول اندیشه وجود هر نوع اضطرار از جمله غلبان جنسی است که مجوز ازدواج موقت را صادر می کند و بنیان این نهاد هم رسالتی در حد رفع نیاز جنسی است. لذا در این دیدگاه عموماً افراد جوان دارای محدودیت و اضطرار در اولویت ازدواج موقت اند.

اما در یک نگاه حداکثری می توان مدعی شد که علاوه بر آن که ازدواج موقت حق موقت نیست بلکه حقی دائم است، در عین حال حق دائم بر ازدواج موقت محدود به صرف رفع نیاز جنسی هم نیست بلکه می تواند شامل آن باشد یا نباشد. از این منظر برخلاف نظر اول اولوبیتی برای سالخوردگان و از کارافتادگان و یا بر خلاف نظر دوم در انحصار جوانان مبتلا به اضطرار جنسی نیست بلکه هر فرد مسلمانی هر چند غیر رشید - از منظر اجتماعی - یا نابالغ - از منظر سیاسی - می تواند بدان تمسک جوید. به دیگر سخن ازدواج موقت حقی دائم برای هر فرد مسلمان است که می تواند در شرایط نیاز با داشتن و یا نداشتن تمام شرایط جوانان که ازدواج دائم و نیز تلویحاً در نگاه اول و دوم مشهود است، اعمال گردد. طبیعتاً در این نگاه نیز هر چند ممکن است شرایط ابتدایی و مقدماتی ضروری باشد منتها این شرایط در دست اراده افراد است و نه اجتماع. تفاوت مهم این نظر سوم با دیدگاه دوم در عدم حصر ازدواج موقت به تمایل جنسی و توسعه آن به حوزه «حسی» یا عاطفی و احساسی است. این نگاه برخلاف نگاه مکانیکی سابق، به دنبال بیان یک نگاه ارگانیکی است، چون بیشتر بر این باور است که مبتنی بر مستندات شرعی ازدواج موقت، این ازدواج هر چند ممکن است زمینه ساز ارضای جنسی و آرامش طرفینی هم گردد که غایت این نهاد در نگاه دوم تلقی می گردد، اما در عین حال ازدواج موقت می تواند برای تأسیس تنها نوعی «دوستی حلال» بین دختر و پسر در جامعه اسلامی بنا شود و در این صورت شروط و تعهدات طرفینی و آتی آن هیچ تفاوتی با ازدواج موقت مبتنی بر نگاه اول و دوم ندارد. یعنی این تفسیر حداکثری از تعهدات معهود و انتظارات مقبول در ازدواج موقت نمی کاهد.

به دیگر سخن در نگاه اخیر تنها «ورود» به روابط محرمانه تسهیل می‌شود و نه تعهدات، شرایط آبی و آثار آن. برای این منظور در نظریهٔ اخیر باید آگاهی از تعهدات، مقدم بر اجرای عقد ازدواج باشد و البته برای این منظور حتی می‌توان نظارت‌های قانونی یا حاکمیتی از سوی والدین و دولت را پیش‌بینی کرد. چون برای حلال بودن آن صرف عقد شرعی کفایت می‌کند اما در نهایت این افراد هستند که مسئول عمل خویشند. لذا از ویژگی‌های مهم نظریهٔ سوم آن است که نوعی دوستی حتی در حد متعارف می‌توان مصداق رابطهٔ محرمانه و مشروع باشد که در ذیل ازدواج موقت تعریف و تسهیل می‌شود. در این راستا نه لزوماً نیاز است تا (۱) فرد در عسر و حرج «جسمی» چون منظر نخست باشد و نه همچون دیدگاه دوم (۲) لازم است در عسر و حرج «جنسی» باشد تا ازدواج موقت برای او به مثابه یک حق تجلی کند. بلکه (۳) صرف وجود عسر و حرج «حسی»، روحی و یا احساسی می‌توان مجوز بهره‌گیری از حق بالقوه بر ازدواج موقت و بالفعل کردن آن حق باشد. این حق در هر زمانی و همگانی است چون تنها شرط بهره‌برداری از آن اختیار، عقل، آگاهی و بلوغ است. یعنی همان شرایط ازدواج، منتها هر یک از این شروط سطح حداقلی خود را دارد. مثلاً منظور از آگاهی، آشنایی به نهاد ازدواج موقت و آثار حقوقی آن است و مراد از بلوغ، بلوغ شرعی یا جنسی است و مراد از عقل، مجنون نبودن در زمان عقد است. هر چند ممکن است طرفین از رشد اجتماعی مرسوم که امروزه در اغلب نظام‌های حقوقی و سیاسی هجده سال تمام است برخوردار نباشد. مجموعه موارد تفسیری مشابه از شروط فوق‌الذکر هم در کتب فقهی شیعه مندرج است.

بنابراین تسهیل در (۱) ورود به نوعی (۲) دوستی حلال مبتنی بر (۳) اراده آزاد افراد که ممکن است صرفاً برای (۴) تبادل احساسات صمیمانه باشد و بر (۵) مدار شریعت نیز استوار است از مبادی و مقاصد نظریه دوستی اسلامی در مقاله حاضر است. در نتیجه با توجه به این که تفاوت اصلی و جوهری ازدواج موقت با ازدواج دائم در این است که ازدواج موقت از لحاظ حدود و قیود «آزاد» است، چون وابسته به اراده و قرارداد طرفین است و حتی موقت بودن آن نیز در حقیقت نوعی آزادی بیشتر به طرفین می‌بخشد و زمان را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد، می‌تواند سیر تعهدات حداکثری تا حداقلی را در فضایی بسیار سیال دارا باشد [۳۲]. یعنی عملاً می‌تواند سخت‌تر از یک ازدواج دائم از منظر تعهدات طرفینی باشد در صورتی که موضوع توافق ضمن عقد و یا رابطه‌ای متعهدانه در حد دوستی حلال باشد که عملاً تعهدات حداقلی دارد. دیدگاه سوم خواهان نگاه ویژه به این کف کارکرد ازدواج موقت دارد، نه سقف آن. توضیح بیشتر آن که گفته شد در ازدواج دائم، هیچ‌کدام از زوجین بدون جلب رضایت دیگری حق ندارند از بچه‌دار شدن و تولید نسل

جلوگیری کنند، ولی در ازدواج موقت جلب رضایت طرف دیگر ضرورت ندارد. حال می‌گوییم فارغ از این فرایند با توجه به تعهدات ذاتی ازدواج موقت، دختر و پسر می‌توانند برای صرف تبادل احساسات صمیمانه به استخدام نهاد ازدواج موقت توسل جویند و نه صرفاً برای درمان مرض، ارضای شهوت، فرزند و امثال آن. در حقیقت، این نیز نوعی آزادی داده شده به زوجین است. بنابراین در تفسیر سوم از ازدواج موقت تأکید بر ورود آسان مبتنی بر اراده آزاد طرفین به کانون دوستی حلال و محرمانه است که می‌تواند در صورت رضایت طرفین، منجر به روابط پیشرفته‌تر در حد رابطه جنسی و یا ازدواج دائم گردد. به دیگر سخن اگر در ازدواج دائم ورود به نهاد خانواده ضمانت‌های سخت، قواعد و تعهدات محکمی را فی‌البدایه می‌طلبد، در تفسیر اخیر از ازدواج موقت، این تعهدات پسینی هستند و نه پیشینی، مگر آن‌که در ضمن عقد چنین تعهداتی را شرط کنند. بنابراین در فرایند عقد موقت نظارت و کنترل شخصی، طرفینی، خانوادگی و دولتی دور از انتظار نیست تا حقوق متقابل به نیکی تضمین شود. از اینرو تأکید می‌شود که در ازدواج موقت به دلیل بنای نهاد ازدواج یا دوستی حلال بر احساس و نه لزوماً اضطراب و اکراه بنا شده و آگاهی از اصول ازدواج موقت و تعهدات آن و آثار احتمالی در حد ضرورت لازم است، هرچند این امور نباید به مثابه سنگ‌های فرار از پابندی به امور مشروع شریعت تبلیغ شود.

نتیجه

با قبول این مفروض که پایه ازدواج و هر نوع علاقه عاطفی بین دختر و پسر بر محبت استوار است، نظریه دوستی اسلامی در سه مبحث کلان: (۱) توصیف موضوع، (۲) تحلیل وضع موجود و آسیب‌شناسی از آن و (۳) در نهایت ارائه نظریه جایگزین بر مدل‌های رایج غیر بومی ارائه گردید. این نظریه مدعی است که علاوه بر سامان‌دهی مشروع به وضعیت جوانان جامعه اسلامی، به مثابه یک رویکرد جهانی می‌تواند جهان‌شمول و فرادینی تلقی گردد از آن روی که شاکله قانونی این روابط و ضمانت‌های لازم برای آن، مبتنی بر فقه و شریعت اسلامی به نیکی (به ویژه در مذهب شیعه) تعریف شده است. تسری این قواعد بر حوزه عمومی روابط اجتماعی می‌تواند علاوه بر فواید فراوان بر تحکیم ساختار خانواده و سلامت جامعه زنان و جوانان، در عین حال در بخشی از مسیر خود به عنوان الگویی در برابر طلاق عاطفی هم باشد. از این منظر اطلاق دوستی اسلامی یا حتی ازدواج عاطفی بر این روابط مبتنی بر حس دیگر دوستی، منشأ اخلاقی و دینی دارد. برای تبیین بیشتر مسیر نظریه در این خصوص می‌توان به‌عنوان یک جمع‌بندی موارد زیر را متذکر شد:

بحث‌های ازدواج و روابط دختر و پسر در دنیای امروز به بحرانی جهانی از منظر قانونی مبدل شده است. امار بالای گریز از ازدواج سنتی و کاهش شدید فرزندان مشروع ناشی از ازدواج در غرب (کورتز، ۲۰۱۱) و برخی کشورهای شرقی و آفریقایی، مسئله جایگاه سالم روابط انسانی و بنیان خانواده را تهدید می‌کند. عموم دولت‌ها برای جبران این خلأ طبق قوانین اساسی و عادی خود، خویشان را متعهد به خانواده و نظام قانونی آن کرده‌اند اما حوزه قانون و بیرون آن چندان در دست دولت‌مردان نمانده است. سیل رو به رشد روابط آزاد و حق اختیار منجر به تأسیس نهادهای جدیدی در جهان خانواده شده است تا روابط مشروع صرفاً در محدوده نظام سنتی، مذهبی و بلندمدت سابق تفسیر نگردد. برای این منظور مجموعه‌ای از نهادهای همزیستی دو جنس به مثابه نوعی از علقه زوجیت قانونی شمرده شده است. با این همه دولت‌ها نمی‌توانند پیرو شهوات شهروندان خود صرفاً به دنبال قانونی کردن رفتارهای ناهنجار و غیرمعارف آنان باشند. از این رو است که عملاً بسیاری از روابط دختر و پسر، غیرقانونی و نامشروع تلقی می‌گردد. روابطی که دیگر نمی‌توان بنیان حقوقی و یا عرفی مستحکمی برای آنان دست و پا کرد. در ورای این روابط افراطی که عملاً گریبان‌گیر دولت‌ها و کشورهای دین‌گریز شده است می‌توان از روابطی نو و مبتنی بر قوانین عقلانی سخن گفت که کم و بیش به روایت‌های کلان در جهان تبدیل می‌شوند؛ روابطی مبتنی بر علقه زوجیت که به تدریج به عنوان رفتاری عمومی و عرفی در جهان رو به گسترش است و البته در این راستا رسانه‌های حاکم نقش مهمی ایفا کرده‌اند. حال، سؤال از مدل اسلامی در خصوص جوانان یا میزان مشروعیت تعمیم روابط مرسوم بین دختر و پسر در غرب به جوامع اسلامی همواره دغدغه رهبران، مسئولان و دینداران مسلمان بوده است. با این تلقی که اسلام به مثابه یک دین خاتم و جامع بی‌تردید این بخش از حیات فرد را نادیده نگرفته و اگر روابطی عقلانی برای بشر متصور است یقیناً یا دین آن را ابراز داشته و یا اینکه از اجرای مناسب و متناسب آن جلوگیری نخواهد کرد، برای این وضعیت جدید هم تدابیری سنجیده اندیشیده است که باید از منابع دینی و مبتنی بر بنیان شرع استخراج گردد. واقعیت آنست که برهه‌ای از زندگی جوانان آکنده از شور و حرارت مقدس اما ناپایدار و موقتی است که هرچند گذران است اما قابل اغماض نیست. بخش مهمی از نابسامانی‌ها و ناهنجاری‌های جوامع از عدم مدیریت مطلوب و تربیت مقبول جوانان و نیز پاسخ مشروع به نیاز آن‌ها در این دوره است. عموم جوانان جوامع اسلامی از جمله ایران از این قانون و طبیعت انسانی مستثنی نیستند. جوانان در این دوره به مثابه گل‌های چیده شده از باغچه‌ای هستند که نه امکان کاشت مجدد آن‌ها در باغچه وجود دارد و نه امکان داشت بلندمدت آنان در دستان باغبان. تنها یک راه وجود دارد و

آن نگهداشتن آن گل‌ها در یک لیوان مملو از آب زلال است تا حداقل برای مدتی از آسیب و آفت محیط در امان باشند تا بلکه در فرصت آتی ریشه دوانده و در زمین و خاک مناسب قرار گیرند و رشد کنند. با این مفروض که یکی از بزرگترین شاهکارهای اسلامی در حوزه روابط اجتماعی انسان‌ها، تأسیس نهاد ازدواج موقت است، نظریه دوستی اسلامی در واقع با الهام از این نهاد، در بخش مهمی از رسالت خود ناظر به تنظیم روابط صحیح و سالم جوانان است. با این هدف که آنان بدون دغدغه گناه، از مشروعات مقبول شریعت بهره‌مند گردند تا زمان و زمینه مناسب برای ریشه دواندن و حرکت به سوی تشکیل یک خانواده استوار و ازدواج پایدار فراهم آید. تمام مکاتب خدامحور یا دنیامحور خواه و ناخواه به این دوره اندیشیده‌اند و اکنون راه حل‌های متفاوتی را ابتکار و اعمال می‌کنند. در اسلام راهکاری وحیانی وجود دارد که در دوره‌های مختلف توسط دوست و دشمن مورد بی‌مهری قرار گرفته و متأسفانه سنت نبوی در این خصوص با اکره نگریسته شده است. نتیجه منطقی این اهمال و عدم اهتمام، منجر به بروز ناهنجاری‌هایی در جوامع اسلامی معاصر شده است که کمتر می‌توان نظیر آن‌را در جوامع بعضاً غیردینی یافت. متأسفانه به هر میزان سیاست جوامع اسلامی بر شریعت بیشتر اصرار کرده از این حکم بیشتر فاصله گرفته است. نگاهی به کشورهای ایران، مصر، الجزایر و عربستان به نیکی گویای بحران‌های آن‌ها در ارتباط با وضع جوانان است. بحرانی که جز با بازگشت به اجرای شرافتمندانه این حکم اسلامی در قالب این نظریه مقدور نیست. حداقل این نظریه که مبتنی بر حکم اسلامی ازدواج موقت است در بردارنده حق دائم بر دوستی حلال است که کف انتظارات حقوقی در نهاد متعه می‌تواند تلقی گردد. همان‌گونه که گفته شد در بین برداران اهل سنت نیز دیرزمانی نیست که نهادی مشابه احیا شده است تا بلکه از آسیب‌های بیشتر اجتماعی در امان بمانند. البته روشن است که زمینه‌های نظارت و پایش نیز باید در میان باشد تا مثل هر امر خیر و نیکی سودجویان و فرصت‌طلبان از حواشی حکم حذف شوند و قانون از تخریب در امان ماند و این رسالت دولت‌های دلسوز و انسان دوست را می‌طلبد.

پی‌نوشت:

- ۱- در سفر تنبیه باب ۷: ۳ - ۴ از ازدواج مؤمن با کافر نهی شده است. نیز در سفر پیدایش باب ۳۴: ۱۵ به حرمت ازدواج مؤمن با کسی که ختنه نشده اشاره شده است.
- ۲- «ما بنی فی الاسلام بناء أحبّ الی الله تعالی و اعزّ من التزویج»، بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۲ و با اندکی تفاوت در: وسائل‌الشیعه، ج ۱۴، ص ۳؛ ابواب مقدمات نکاح، باب ۱، ج ۴؛ «من لا یحضره الفقیه»، ج ۳، ص ۳۸۳.

فرهنگ دوستی اسلامی ناظر به روابط اجتماعی - حقوقی دختر و پسر ۱۳۹

۱۱- سایت رسمی جماعت دعوت و اصلاح ایران: نقدی بر مقاله «تحولات مهم در رویکرد فقهای اهل سنت برای حل مشکلات پیچیده زنان»، در سایت بازتاب، نوشته محمود ویسی ۸۵/۲/۳۰ :

«النکاح بشرط الطلاق... حنفیه و بعضی از پیروان مذهب شافعی و حنبلی گفته‌اند که نکاح به شرط طلاق صحیح است. بنابراین نکاح مسیار باز هم هیچ شباهتی با نکاح به شرط طلاق ندارد؛ زیرا در نکاح موقت باید مدت تعیین شود. در صورتی که در نکاح به شرط طلاق زوج نیت طلاق را در ذهن دارد و معین نمی‌کند.»

<http://islahweb.org/html/modules.php?op=modload&name=News&file=article&sid=75&mode=tthead&order=0&thold=0>

۱۲- از نظر علمای اهل سنت: ازدواج «مسیار» اصطلاحی جدید و نوعی ارتباط میان زوجینی است که در گذشته سابقه نداشته است، اگرچه در سنت پیامبر دارای اصل و ریشه است و آن این بوده که مرد با زنی ازدواج کند بدون این که حقی بر عهده مرد از لحاظ نفقه و مسکن قرار گیرد. زن از مرد نفقه و مسکن و اقامت را طلب نکند و هرگاه مرد خواست می‌تواند در کنار زن باشد. اصولاً حقوق زن و ادای آن برای مرد الزامی ندارد. این ازدواج چون با عقد صحیح شرعی و رعایت شرایط صورت می‌گیرد مشروع است چرا که بخشیدن حقوق از سوی زوجین به همدیگر ممنوعیت شرعی ندارد، بلکه در سوره نساء آیه ۴ آمده است: (و اتوا النساء صدقاتهن نحله فان طبن لكم عن شيء منه نفساً فكلوه هنيئاً مریئاً)، ویسی، پیشین.

۱۳- به باور عموم مسلمانان نهاد ازدواج موقت در دوره نبوی بوده و در عصر خلیفه دوم ممنوع شده است: امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لولا ما نهی عنها عمر ما زنی إلا شقی» (وسائل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۴۴۰، حدیث ۲۴). در کتاب اهل سنت نیز این حدیث به طور گسترده آمده است. قال علی علیه السلام: «لو لا ان عمر نهی عن المتعة ما زنی الا شقی» (تفسیر طبری، جلد ۵، صفحه ۱۱۹؛ تفسیر در المنثور، جلد ۲، صفحه ۱۴۰ و تفسیر قرطبی، جلد ۵، صفحه ۱۳۰). اگر با ازدواج موقت اسلامی مخالفت نکرده بودند، هیچ کس آلوده به زنا نمی‌شد.

۱۴- آیت‌الله مکارم شیرازی از علمای بزرگ شیعه می‌نویسد: «جالب این که حتی منکران ازدواج موقت (یعنی غالب برادران اهل سنت) هنگامی که تحت فشار جوانان و اقشار دیگر محروم قرار گرفته‌اند، تدریجاً به نوعی ازدواج - شبیه ازدواج موقت - تن در داده‌اند و آن را «ازدواج مسیار» می‌نامند، هر چند نام آن را ازدواج موقت نمی‌گذارند، ولی در عمل هیچ تفاوتی با ازدواج موقت ندارد!».

اعتقادی و کلامی آئین ما (اصل الشیعه) ازدواج مسیار:

<http://www.makaremshirazi.org/persian/compilation/book.php?bcc=21347&itg=7&bi=203&s=ct>
۱۵- رانیا حنفی، الهابرات إلى زواج المسیار أون لاین!، ۴۴۵۸۰ السنة ۱۳۳- العدد ۲۰۰۸ ديسمبر، ۲۶ و ۲۸ من ذى الحجة ۱۴۲۹ هـ الجمعة:

<http://www.ahram.org.eg/Archive/2008/12/26/INVE2.HTM>

16- <http://www.alarabiya.net/articles/2006/06/25/25066.html>

<http://www.thenewlibya.com/July2007m/August2007/%D8%B9%D9%86%D9%88%D8%B3%D8%A9.htm>

۱۷- نگاه کنید به خاطرات قربانیان این بحران جمعیتی در کشورهای عربی: مبارک بن نزال الصقیری العنزى، قصص واقعية لضحايا العنوسة،
<http://majdah.maktoob.com/vb/majdah2820>

۱۸- رانیا حنفی، الهابرات إلى زواج المسیار أون لاین!، ۴۴۵۸۰ السنة ۱۳۳- العدد ۲۰۰۸ ديسمبر، ۲۶ و ۲۸ من ذى الحجة ۱۴۲۹ هـ الجمعة:

<http://www.ahram.org.eg/Archive/2008/12/26/INVE2.HTM>

۱۹- در کتابی با عنوان «تأیید العوانس»، الشیخ شمس الدین مسئول الجمعية الخيرية الإسلامية تلاش کرد تا به این موضوع بپردازد و در ضمن مؤسسه خیریه به مرکزی برای ازدواج آسان هم کمک کند که پس از ۱۱ سپتامبر و وقوع وضعیت امنیتی در کشور این مرکز هم متأسفانه تعطیل شد.

<http://ar.wikipedia.org/wiki/%D8%B9%D9%86%D9%88%D8%B3%D8%A9>

۲۰- ثورة یناير، مشکلة العنوسة فی مصر، ۲۰۱۱:

<http://batraonline.com/vb/showthread.php?794-%E3%D4%DF%E1%E5-%C7%E1%DA%E4%E6%D3%E5-%DD%EC-%E3%D5%D1>

۲۱- نک، فاطمة الغامدی، نساء یطلبن زواج المسیار، النسخة الإلكترونية من صحيفة الرياض اليومية الصادرة من مؤسسة الیمامة

الصحففة الجمعة ۳۰ ذی الحجة ۱۴۲۷هـ - ۱۹ یناير ۲۰۰۷م - العدد ۱۴۰۸۸

<http://www.alriyadh.com/2007/01/19/article217742.html>

<http://arb3.maktoob.com/vb/arb148277>

عالم الحياة الزوجية: نساء یطلبن زواج المسیار:

۲۲- مطهری مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا، چاپ شانزدهم، آذر ۱۳۷۱، صص ۲۲-۲۸.

۲۳- مثلاً در مورد دختر گفتم می‌شد: ... البالغة العاقلة الرشيدة المختارة الباکرة المعظمة الیها ...

۲۴- حسین طبیباتی، «سیری در قبایله‌های ازدواج»، مرکز پژوهش‌های مردم‌شناسی و فرهنگ عامه، دوره ۱۲، ش ۱۴۰ و ۱۴۱-

۱۴۳ (خرداد و تیر - شهریور ۵۳): <http://www.ichodoc.ir/p-a/CHANGED/140/html/140-66.HTM>

۲۵- برای نمونه نگاه کنید به بدفهمی کارگردان ایرانی- اتریشی، سودابه مرتضایی در به تصویر کشیدن این ازدواج در فیلم مستند خود با نام «در بازار سکس». این فیلم تلاش دارد تا ازدواج موقت را همسو با روسپیگری در غرب قلمداد کند. از اینرو از واژه ازدواج موقت طفره رفته و همواره از عقد متعه با نیت نوعی قرارداد اقتصادی یاد می‌کند. در ماه‌های اول سال ۲۰۱۱ در بیش از ۱۰ جشنواره بین‌المللی فیلم به نمایش درآمد و نامزد دریافت جایزه اول «آکادمی فیلم اتریش» شد.

۲۶- یادداشت‌های یک دختر ترشیده، یکی به داد عزب‌ها برسد!

<http://anidaltan.blogfa.com/post-۸۳۳.aspx>

۲۷- حسن عباسی، «زنای ذهنی» مشکل امروز جامعه است، ۸:۳۴ - ۱۳۸۹/۴/۲۱: شبکه سوم، در بخشی از سخنان این سخنران او به رابطه مردم و به ویژه جوانان با این‌گونه سریال‌ها اشاره کرده و گفته است: وقتی جوانان ما امکان ازدواج ندارند و از تماشای این مجموعه‌ها به یک غلیان و هیجان کاذب می‌رسند، به یک تخیل سازی و مشابه سازی دست می‌زنند که من از آن به عنوان «زنای ذهنی» یاد می‌کنم.

۲۸- ازدواج موقت، چگونگی آداب، قواعد کار و حرف و حدیث‌های بسیار،

http://www.sonycard20.com/news/news_item.asp?NewsID=812

۲۹- رهبر معظم انقلاب: مسئله زن و خانواده از مسائل درجه یک کشور است: ۱۳:۱۹ - ۱۳۹۰/۱/۱۵:

رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه مسئله زن و خانواده از مسائل درجه یک کشور است افزودند: در خصوص زن و خانواده، منابع و تعالیم اسلامی برجسته و متقنی وجود دارد که باید پس از تئوریزه شدن، به صورت نظریه‌های قابل استفاده، در اختیار همه قرار گیرد.

۳۰- خلیفه دوم عمرین خطاب در عصر خلافت خود گفت: «متعتان کانتا محللتان فی زمن النبی و انا احرمهما و اعاقب علیهما.» (دو متعه در زمان پیامبر حلال بود که من آن دو را حرام می‌کنم و انجام‌دهنده‌اش را مؤاخذه می‌کنم.)

۳۱- افراد یا عاقل‌اند و یا مجنون. عاقل‌ها به دو نوع تقسیم می‌شوند: یا رشید هستند یا غیر رشید؛ یعنی انسان عاقل و بالغ ممکن است رشید باشد و ممکن است غیر رشید.

فرهنگ دوستی اسلامی ناظر به روابط اجتماعی - حقوقی دختر و پسر ۱۴۱

۳۲- مثلاً چنان که اشاره شد در ازدواج دائم خواه ناخواه مرد باید عهده‌دار مخارج روزانه، لباس، مسکن و احتیاجات دیگر زن از قبیل دارو و طبیب شود ولی در ازدواج موقت بستگی دارد به قرارداد آزادی که میان طرفین منعقد می‌گردد ممکن است مرد نخواهد یا نتواند متحمل این مخارج بشود یا زن نخواهد از پول مرد استفاده کند در ازدواج دائم زن و شوهر خواه ناخواه از یکدیگر ارث می‌برند اما در ازدواج موقت چنین نیست.

منابع

قرآن کریم

کتاب مقدس (عهد عتیق و جدید)

ابوعلی سینا (۱۴۰۴) شفاء، منشورات مکتبۃ ایت‌الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ه.ق.

الغامدی، فاطمة (۱۴۲۷) نساء یطلبن زواج المسیار، النسخة الإلكترونية من صحيفة الرياض اليومية الصادرة من مؤسسة الیمامة الصحفية الجمعة ۳۰ ذی الحجة ۱۴۲۷هـ - ۱۹ ینایر ۲۰۰۷م - العدد ۱۴۰۸۸.

<http://www.alriyadh.com/2007/01/19/article217742.htm>

جوادی آملی (۱۳۷۸) زن در آینه جلال و جمال، قم: اسراء.

خامنه‌ای، آیت‌الله سید علی (۱۳۹۰) مسئله زن و خانواده از مسائل درجه یک کشور است، ۱۳:۱۹ - ۱۳۹۰/۱۰/۱۵.

عباسی، حسن (۱۳۸۹) «زنای ذهنی» مشکل امروز جامعه است، شبکه سه سیما، ۸:۳۴ - ۱۳۸۹/۴/۲۱.

طیباتی، حسین (۱۳۸۱) «سیری در قباله‌های ازدواج»، تهران: مرکز پژوهش‌های مردم‌شناسی و فرهنگ عامه، دوره ۱۲، ش ۱۴۰، صص ۱۴۱-۱۴۳.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۵) مجموعه آثار استاد، تهران: صدرا.

----- (۱۳۷۱) نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا.

میشل، توماس (۱۳۷۷) کلام مسیحی، حسین توفیقی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

<http://batraonline.com/vb/showthread.php>

ینایر، ثوره (۲۰۱۱) مشکلة العنوسة فی مصر، ۲۰۱۱

Duvignaud J. (1990) La genèse des passions dans la vie sociale, Paris, PUF.

Hérial Alain (2008) Les continents féminins ; Voyage au coeur du plaisir des femmes, Editions Jean-Claude Gaweswitch.

Kurtz Paul (2011) Le Fruit défendu. Pour une éthique laïque, H&O éditions

McElwain Thomas (1998) Islam in the Bible, Great Britian for Minerva Press.